

تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر مهارت‌های حرکتی بنیادی کودکان پنج تا شش سال

حمید لطفی^۱، شهاب پروین‌پور^۲، ندا شهرزاد^۳

۱. کارشناسی‌ارشد رفتار حرکتی، دانشگاه خوارزمی*

۲و۳. استادیار رفتار حرکتی، دانشگاه خوارزمی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر، مقایسهٔ اثر سبک‌های فرزندپروری بر مهارت‌های حرکتی بنیادی کودکان پنج تا شش ساله بود. تعداد ۱۱۰ کودک از مهدکودک‌های تهران، به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه از طریق پرسش‌نامهٔ سبک‌های فرزندپروری رایبسنون و مهارت‌های حرکتی بنیادی از طریق آزمون رشد حرکتی درشت‌سنجیده شدند. نتایج نشان داد که اثر سبک‌های فرزندپروری بر مهارت‌های حرکتی بنیادی با توجه به جنسیت متفاوت است؛ به طوری که عملکرد پسران در سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و عملکرد دختران در سبک فرزندپروری مستبدانه بهتر بود ($P < 0.05$)؛ بنابراین، با توجه به ارتباط سبک‌های فرزندپروری و مهارت‌های حرکتی بنیادی کودکان، باید اقداماتی در جهت افزایش آگاهی والدین در زمینهٔ نحوهٔ تربیت فرزندانشان انجام شوند.

واژگان کلیدی: سبک‌های فرزندپروری، مهارت‌های حرکتی بنیادی، کودکی

مقدمه

متخصصان رشد دریافته‌اند که نیازهای جسمانی و مکانیکی خاصی از تکلیف حرکتی به فرد (عوامل بیولوژیک) و محیط (عوامل یادگیری) مربوط می‌شوند و دوران کودکی در میان دوره‌های زندگی، مهم‌ترین دوره رشد حرکتی به‌شمار می‌آید (۱). خصوصیات این دوره رشد مداوم جسمانی، شناختی و عاطفی است (۲). یکی از مهم‌ترین موضوعها در حیطه رشد حرکتی، رشد مهارت‌های حرکتی بنیادی^۱ (FMS) است که ترکیبی از مهارت‌های جابه‌جایی و کنترل شیء است (۳). شواهد نشان می‌دهند که ظرفیت رشدی کودکان برای مسلط شدن بر بسیاری از مهارت‌های حرکتی بنیادی در شش سالگی است (۴)؛ به طوری که تجارب و یادگیری در این دوران، در یادگیری بعدی فرد بسیار مؤثرند (۵). مهارت‌های حرکتی بنیادی مانند آجرهای ساختمانی، حرکات کارآمد و مؤثر هستند که برای کودک راهی برای جست‌وجوی محیط و کسب دانش در دنیای پیرامون است (۱). تبحر در مهارت‌های حرکتی بنیادی در کودکی، کفایت حرکتی، مشارکت ورزشی، زندگی فعال، رشد شناختی و پیشگیری از چاقی را در بزرگسالی پیش‌بینی می‌کند (۶).

اخیراً، مدل استودن^۲ و همکاران (۱) اهمیت مهارت‌های حرکتی بنیادی را در مشارکت همیشگی فعالیت بدنی تبیین کرده است؛ در قلب این مدل، ارتباطی دوطرفه و پویا میان کفایت حرکتی و فعالیت بدنی وجود دارد. همچنین، استودن و همکاران بر این باورند که اکتساب شایستگی مهارت حرکتی در مهارت‌های حرکت بنیادی در طی دوران کودکی اولیه باعث ارتقای سطوح آمادگی جسمانی می‌شود؛ زیرا، زمانی را که کودکان صرف رشد این مهارت‌ها می‌کنند، باعث ارتقای سطوح فعالیت بدنی و رشد عصبی- حرکتی آن‌ها می‌شود (۷). همچنین، براینترنت^۳ و همکاران (۸) مشاهده کردند که مسلط شدن قبلی در مهارت‌های حرکتی بنیادی پیش‌بینی بهتری از مشارکت فعالیت بدنی و حفظ وزن سالم فعلی است.

زندگی صنعتی باوجود خدمات شایانی که برای بشر به‌ارمغان آورده است، عوارضی را نیز به‌وجود آورده است که شاید مهم‌ترین آن‌ها از دیدگاه تندرستی، فقر حرکتی باشد که نشاط و شادابی را از جسم دور کرده و چاقی را جایگزین آن کرده است (۹). اهمیت فعالیت بدنی برای سلامتی حال و آینده کاملاً به‌اثبات رسیده است؛ اما نگرانی فزاینده‌ای در جوامع امروزی وجود دارد و این است که کودکان درحال اتخاذ شیوه زندگی غیرفعال هستند (۱۰). طبق دیدگاه سیستم‌های پویا، تغییرات رشدی که باگذشت زمان رخ می‌دهند، بسیار فردی هستند و تحت تأثیر عوامل مختلفی در سیستم قرار می‌گیرند.

-
1. Fundamental Movement Skills
 2. Stodden
 3. Bryant

این عوامل، فراهم‌سازها و محدودکننده‌های سرعت‌آهستند (۴). همچنین، نیوول^۳ (۱۹۸۶) بیان کرد که حرکات از تعامل بین ارگانسیم، محیطی که حرکت در آن رخ می‌دهد و تکلیفی که انجام می‌شود، ناشی می‌شوند (به نقل از ۳). بالیدگی نقش مهمی در رشد الگوی حرکت بنیادی دارد؛ اما نباید به‌عنوان تنها عامل اثرگذار به آن نگریسته شود؛ زیرا، شرایط محیطی، فرصت‌های تمرین، تشویق، آموزش و زمینه‌های محیطی نقش مهمی در میزان رشد و توسعه هر یک از مهارت‌های بنیادی ایفا می‌کنند (۱). رفتار و الگوهای مرتبط با سلامتی در دوران کودکی و نوجوانی در بستر خانواده تکامل می‌یابند (۱۱). خانواده ابتدایی‌ترین و در اکثر مواقع، تعیین‌کننده‌ترین عامل انتخاب حرکتی کودک و موفقیت او است؛ زیرا، عمیق‌ترین تأثیر را بر نگرش و انتظارات مثبت به فعالیت دارد. میزان حمایت‌های اجتماعی‌ای که افراد مهم در زندگی فراهم می‌کنند، با میزان مشارکت ما در فعالیت بدنی به‌طور مثبت مرتبط است (۱۲).

پژوهش‌ها جدید اثبات کرده‌اند که رشد مهارت‌های حرکتی درشت و مهارت‌های حرکتی ظریف، از قومیت، درآمد والدین و تربیت والدین تأثیر پذیرفته‌اند (۱۳). کولز^۴ و همکاران (۱۴) پژوهشی با هدف شناسایی عوامل مرتبط با مهارت‌های حرکتی بنیادی کودکان انجام دادند. نتایج نشان داد که رفتارها و اعتقادات والدین، تحصیلات و فعالیت بدنی آن‌ها به‌طور متفاوتی مهارت‌های حرکتی بنیادی دختران و پسران را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین، براساس پژوهش بارت^۵ و همکاران (۱۵)، مهارت‌های حرکتی با ویژگی‌های والدین مرتبط هستند. هر خانواده‌ای سبک‌های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندانش خویش به‌کار می‌گیرد. این سبک‌ها که سبک‌های فرزندپروری نامیده می‌شوند، عوامل دیگری هستند که می‌توانند رفتار کودکان را توسط والدین تحت تأثیر قرار دهند که سبک‌های فرزندپروری متأثر از عوامل مختلفی از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی هستند (۱۶). براساس مدل بامریند^۶ سبک‌های فرزندپروری با استفاده از دو بعد رفتار والدین شامل پاسخ‌دهی یا مهرورزی و متوقع‌بودن یا کنترل کودک تعریف شده‌اند (۱۷). سبک فرزندپروری استبدادی^۸ (توقع بالا و پاسخ‌دهی پایین) سبکی است که والدین برای کنترل رفتار کودکانشان با در نظر گرفتن نیازهای

-
1. Affordances
 2. Rate limiters
 3. Newell
 4. Cools
 5. Barnett
 6. Parenting Styles
 7. Baumrind
 8. Authoritarian Parenting Styles

کمی و اطاعت کامل کودکان از آن‌ها تلاش می‌کنند؛ درحالی‌که والدین مقتدر (توقع بالا و پاسخ‌دهی بالا) برای تشویق کودکان به اظهار بی‌نیازی از دیگران، مجموعه‌ی واضحی از مرزها و ارتباط گرم تلاش می‌کنند. در سبک فرزندپروری سهل‌گیر^۱ (توقع پایین و پاسخ‌دهی بالا)، والدین، بیشتر فرزندانشان را قبول دارند؛ اما تعدادی از مرزها و قوانین را برای آن‌ها تعیین می‌کنند (۱۸).

باوجود توجه رشدی به سبک‌های فرزندپروری درزمینه‌ی چاقی و بی‌حرکی کودکان، بسیاری از پژوهش‌ها بر شیوه‌ی تغذیه تمرکز کرده‌اند و توجه کمی به بررسی اثر سبک‌های فرزندپروری بر فعالیت بدنی و رشد حرکتی کرده‌اند (۱۹)؛ درحالی‌که یکی از مؤلفه‌های رشد جسمانی، افزایش فعالیت بدنی و جلوگیری از چاقی یادگیری مهارت‌های حرکتی بنیادی در دوران کودکی است (۸، ۳). پژوهشگران مختلف نقش و تأثیر نهاد خانواده و سبک‌های فرزندپروری را بر نگرش و رفتار یا عملکرد فرزندان بررسی کرده‌اند. شواهد نشان می‌دهند که بین سبک‌های فرزندپروری و پیامدهای سلامتی کودکان درمیان چندین حوزه از جمله بهداشت و زمینه‌ی سلامتی، سازگاری روانی، هوش هیجانی، عزت‌نفس، خودپنداره و پیشرفت تحصیلی رابطه‌ای مثبت وجود دارد (۲۶، ۲۵، ۱۹). پژوهشگرانی نیز رابطه‌ی سبک‌های فرزندپروری و فعالیت بدنی را بررسی کرده‌اند. شواهد نشان می‌دهند که ارتباط بین انواع سبک‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه) و فعالیت بدنی متفاوت است. درهمین رابطه، اسلدنس^۲ و همکاران (۲۰) در پژوهش مروری خود به این نتیجه دست یافتند که سبک فرزندپروری مقتدرانه اثری مثبت بر فعالیت بدنی کودکان دارد؛ درحالی‌که هیننسی^۳ و همکاران (۱۸) و لانگر^۴ و همکاران (۲۱) گزارش دادند کودکانی که والدین آن‌ها از سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند، فعال‌ترند. به عبارت دیگر، بین حمایت والدین با فعالیت فرزندان ارتباط معناداری وجود دارد.

چین، اونیسان، کندی و یه^۵ (۲۲)، جاگو^۶ و همکاران (۲۳) و سیبر^۷ و همکاران (۲۴) به این نتیجه رسیدند که اثر نوع سبک‌های فرزندپروری بر فعالیت بدنی با توجه به جنسیت کودکان متفاوت است. ازسوی دیگر، چیانگ^۸ و همکاران (۲۷) در پژوهش خود نشان دادند که فرزندپروری و تعامل والد-کودک رشد حرکتی نوزادان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به پیشینه موجود، پژوهش‌های بسیار

-
1. Permissive Parenting Styles
 2. Sleddens
 3. Hennessy
 4. Langer
 5. Chen
 6. Jago
 7. Sebire
 8. Chiang

محدودی در زمینه نقش سبک‌های فرزندپروری در فعالیت بدنی و رشد حرکتی کودکان انجام گرفته‌اند؛ به طوری که پژوهشگران به بررسی اثر سبک‌های فرزندپروری والدین بر فعالیت بدنی کودکان جوان تأکید بیشتری داشته‌اند (۱۱). از سوی دیگر، پژوهشگران در پژوهش‌های قبلی گزارش دادند ابزاری که برای سنجش فعالیت بدنی کودکان استفاده شده است، به طور دقیق قادر به ثبت فعالیت بدنی نیست (۲۴، ۱۱)؛ بنابراین، با توجه به نتایج متناقض پژوهش‌های پیشین و کمبود مطالعات داخلی انجام شده در این زمینه، پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ به این مسئله است که آیا سبک‌های فرزندپروری مهارت‌های حرکتی بنیادی کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهند یا خیر؟ و آیا با توجه به جنسیت کودکان، اثر سبک‌های فرزندپروری در فرهنگ ما متفاوت است یا خیر؟

روش پژوهش

با توجه به اهداف این پژوهش، راهبرد پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای و طرح پژوهش، مقطعی است. جامعه آماری پژوهش حاضر همه دختران و پسران پنج تا شش ساله مهدکودک‌های شهر تهران بودند. نمونه آماری، ۱۱۰ نفر از کودکان پنج تا شش ساله با والدینشان هستند که به صورت تصادفی چندمرحله‌ای، پس از طی مراحل قانونی از مهدکودک‌های مناطق پنج، شش، هفت، ۱۲، ۱۵ و ۲۱ شهر تهران انتخاب شدند. لازم است ذکر شود که تعداد نمونه با توجه به مطالعات قبلی در نظر گرفته شد. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه ویژگی‌های فردی، پرسش‌نامه سبک فرزندپروری رابینسون و آزمون رشد حرکتی درشت ویرایش دوم استفاده شد.

پرسش‌نامه ویژگی‌های فردی: در این پرسش‌نامه، سال تولد به ماه و وضعیت سلامت جسمانی ثبت شد.

پرسش‌نامه سبک فرزندپروری رابینسون! پرسش‌نامه رابینسون^۲ و همکاران (۲۸) در سال ۲۰۰۱ ساخته شده است و در ایران، علیزاده (۳۱) آن را به فارسی ترجمه کرده است. این پرسشنامه ۳۲ سؤال براساس مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای به صورت هیچ‌وقت = یک، گاهی اوقات = دو، تقریباً متوسط = سه، خیلی از مواقع = چهار و همیشه = پنج نمره‌گذاری می‌شود. در این پرسشنامه، حداقل نمره ۳۲ و حداکثر ۱۶۰ است. سؤال‌های پرسش‌نامه سه سبک مقتدرانه (۱۵ سؤال)، مستبدانه (۱۲ سؤال) و سهل‌گیرانه (پنج سؤال) را می‌سنجند که بر پایه نظریه و سبک‌های فرزندپروری بامریند تنظیم و تدوین شده‌اند. اعتبار درونی برای خرده‌مقیاس سبک مقتدرانه در والدین ایرانی، ۹۰ صدم بوده است و برای

1. Robinson Parenting Styles Questionnaire (PSDQ)
2. Robinson

خرده‌مقیاس سبک مستبدانه ۷۸ صدم و خرده‌مقیاس سبک سهل‌گیرانه ۷۰ صدم بوده است. همچنین، علیزاده و همکاران برای به‌دست‌آوردن روایی پرسش‌نامه از روایی محتوایی استفاده کردند (۳۱). برای تعیین سبک‌های فرزندپروری، در وهله اول، میانه هرکدام از سبک‌ها به تفکیک در پدران و مادران محاسبه شد؛ براین‌اساس، سبک فرزندپروری آزمودنی سبکی است که نمره او در آن سبک در بالای میانه و در سبک دیگر در پایین میانه قرار داشته باشد؛ برای مثال، چنانچه نمره آزمودنی در سبک مقتدرانه در بالای میانه و در سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه زیر میانه باشد، سبک فرزندپروری او مقتدرانه به‌شمار می‌آید؛ به‌طوری‌که در پژوهش حاضر، میانه سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه والدین به ترتیب ۴، ۱/۷۵ و ۲/۱۰ است.

آزمون رشد حرکتی درشت و ویرایش دوم: این آزمون برای سنجش فرایندهای مهارت‌های حرکتی بنیادی کودکان سه تا یازده ساله استفاده می‌شود که دارای دو خرده‌مقیاس جابه‌جایی (شامل دویدن، یورتمه‌رفتن، لی‌لی، جهش با گام کشیده، پرش جفت‌پا ایستاده و سرخوردن) و دستکاری (شامل ضربه‌زدن به توپ با دست، دربیل درجا، دریافت توپ، ضربه‌زدن به توپ با پا، پرتاب توپ از بالای شانه و غلتاندن توپ از زیر شانه) است و علاوه بر نمره‌های این دو خرده‌آزمون، نمره بهره حرکتی درشت را نیز می‌سنجد. این آزمون در اسفندماه ۱۳۸۸ در ایران اعتباریابی شده است و دارای روایی ۹۶ صدم و پایایی ۸۷ صدم برای خرده‌آزمون جابه‌جایی، روایی ۷۴ صدم و پایایی ۸۱ صدم برای خرده‌آزمون دستکاری و روایی ۸۷ صدم و پایایی ۹۱ صدم برای بهره حرکتی درشت است. در این آزمون، نمره‌دهی به‌صورت صفر و یک است و امتیازهای بخش‌های اجرایی مهارت جمع می‌شوند و در مجموع، نمره خرده‌مقیاس‌ها به‌دست می‌آید (۳۲). سقف نمره در هر خرده‌آزمون برابر با ۴۸ است. نمره‌های خام خرده‌آزمون‌ها برای تفسیر توسط جداول هنجاری، به نمره استاندارد خرده‌آزمون‌ها، بهره حرکتی درشت و صدک‌ها تبدیل می‌شوند. نمره استاندارد خرده‌آزمون‌ها دارای میانگین ۱۰ و انحراف استاندارد سه است و در بهره حرکتی درشت، میانگین برابر با ۱۰۰ و انحراف استاندارد برابر با ۱۵ است. برای به‌دست آوردن بهره حرکتی درشت، مجموع نمره استاندارد دو خرده‌آزمون با استفاده از جداول هنجاری بهره حرکتی درشت به این نمره تبدیل می‌شوند.

پس از کسب مجوز از اداره بهزیستی شهر تهران و انتخاب مهدکودک‌ها به‌طور تصادفی چندمرحله‌ای، شرایط برای انجام پژوهش مهیا شد. برای اجرای پژوهش، پرسش‌نامه‌های اطلاعات فردی، سبک‌های فرزندپروری و فرم رضایت‌نامه با هماهنگی و کمک مدیر مهدکودک‌ها در اختیار والدین قرار داده شدند. براساس این پرسش‌نامه‌ها، کودکانی که در رده سنی پنج تا شش سال بودند و از لحاظ روانی و جسمی سالم بودند و همچنین، هم پدر و هم مادر پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری را تکمیل کرده بودند،

انتخاب شدند. مهارت‌های حرکتی بنیادی کودکان انتخاب شده با استفاده از آزمون رشد حرکتی درشت ویرایش دوم اندازه‌گیری شدند. این آزمون شامل دو خرده‌آزمون جابه‌جایی و کنترل شیء است و هر خرده‌آزمون از شش مهارت حرکتی تشکیل شده است. هر کودک مهارت‌های حرکتی را دو بار پی‌درپی انجام داد و امتیاز وی پس از مشاهده فیلم اجرای هر مهارت ثبت شد. با توجه به دستورالعمل آزمون مهارت حرکتی درشت، این نمره‌های خام به نمره‌های استاندارد براساس سن و جنس شرکت‌کنندگان تبدیل شدند. سپس، کودکان براساس سبک فرزندپروری‌ای که والدین آن‌ها در تربیتشان استفاده می‌کردند، به سه گروه سبک فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه تقسیم شدند. برای تعیین اثر سبک‌های فرزندپروری والدین بر مهارت‌های حرکتی بنیادی و تفاوت اثر سبک‌ها بر عملکرد مهارت حرکتی کودکان بررسی شدند.

پدازش اطلاعات از طریق آمار توصیفی و آمار استنباطی با سطح معناداری $\alpha = 0.05$ و با استفاده از نسخه ۲۰ نرم‌افزار اس.پی.اس.اس انجام شد. در این پژوهش، برای بررسی اختلاف گروه‌ها از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه و برای بررسی تفاوت بین سبک‌ها، از آزمون تعقیبی گابریل^۱ به‌دلیل نابرابر بودن تعداد نمونه‌ها در هر سبک استفاده شد. شایان ذکر است که آزمون‌های استنباطی بعد از اطمینان از طبیعی بودن داده‌ها (آزمون کلموگروف- اسمیرنوف^۲) و تجانس واریانس‌ها (آزمون لون^۳) انجام شدند.

نتایج

در این پژوهش، ۵۳/۶ درصد از آزمودنی‌ها دختر و ۴۶/۴ درصد پسر بودند. والدین ۲۴ نفر از دختران سبک فرزندپروری مقتدرانه، والدین ۱۸ نفر سبک فرزندپروری مستبدانه و والدین ۱۷ نفر سبک سهل‌گیرانه داشتند. والدین ۱۶ نفر از پسران سبک فرزندپروری مقتدرانه، والدین ۱۳ نفر سبک فرزندپروری مستبدانه و والدین ۲۲ نفر سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه داشتند. میانگین سنی آزمودنی‌ها ۶۵/۸۰ ماه بود. اطلاعات جدول‌های شماره یک و شماره دو، آمار توصیفی میانگین، انحراف استاندارد، بیشترین و کمترین مربوط به مهارت‌های حرکتی کودکان شرکت‌کننده در پژوهش به تفکیک سبک‌ها و جنسیت را نشان می‌دهد.

-
1. SPSS
 2. Gabriel
 3. Kolmogorov-Smirnon
 4. Levene

جدول ۱- آمار توصیفی مربوط به مهارت‌های حرکتی شرکت‌کنندگان در پژوهش

مهارت‌ها	سبک‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین	بیشترین
بهره حرکتی درشت	مقتدرانه	۹۶/۶۲	۷/۴۱	۸۲	۱۱۵
	سهل‌گیرانه	۱۰۲/۰۳	۱۰/۷۴	۷۶	۱۲۱
	مستبدانه	۹۸/۶۷	۱۰/۳۶	۷۹	۱۱۸
جابه‌جایی	مقتدرانه	۹/۵۵	۱/۷۳	۷	۱۳
	سهل‌گیرانه	۱۰/۱۹	۲/۰۷	۷	۱۴
	مستبدانه	۹/۸۲	۲/۰۵	۵	۱۴
کنترل شیء	مقتدرانه	۹/۳۲	۱/۶۳	۷	۱۲
	سهل‌گیرانه	۱۰/۵۱	۲/۲۷	۵	۱۴
	مستبدانه	۹/۷۴	۲	۶	۱۳

جدول ۲- آمار توصیفی مربوط به مهارت‌های حرکتی شرکت‌کنندگان در پژوهش به تفکیک جنسیت

مهارت‌ها	جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین	بیشترین
جابه‌جایی	دختر	۹/۷۷	۲	۶	۱۴
	پسر	۹/۸۸	۱/۸۹	۵	۱۴
کنترل شیء	دختر	۹/۶۷	۲/۲۱	۵	۱۴
	پسر	۹/۹۶	۱/۷۴	۶	۱۳
بهره حرکتی درشت	دختر	۹۸/۳۷	۱۰/۴۷	۷۶	۱۲۱
	پسر	۹۹/۴۷	۸/۷۳	۷۹	۱۱۸

برای بررسی اختلاف گروه‌ها در متغیرهای وابسته با استفاده از آزمون آماری تحلیل واریانس یک‌راهه، روش تحلیل نمره‌های مهارت‌های حرکتی به کار برده شد. با توجه به جدول‌های شماره سه و شماره چهار، نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان داد که بین اثر سبک‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه) بر مهارت‌های حرکتی بنیادی پسران ($F = 3.51$, $P < 0.05$) و دختران ($F = 8.247$, $P < 0.05$) پنج تا شش سال تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۳- نتایج آزمون تحلیل واریانس برای مهارت‌های حرکتی بنیادی پسران

مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار اف	سطح معناداری
۴۸۶/۴۶۱	۲	۲۴۳/۲۳۰	۳/۵۱	۰/۰۳۱*
۳۳۲۴/۲۴	۴۸	۶۹/۲۵		
۳۸۱۰/۷۰	۵۰			

* $\alpha \leq 0.05$ تفاوت معنادار است.** $\alpha \leq 0.01$ تفاوت معنادار است

جدول ۴- نتایج آزمون تحلیل واریانس برای مهارت‌های حرکتی بنیادی دختران

مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار اف	سطح معناداری
۱۴۴۷/۰۳	۲	۷۲۳/۵۱	۸/۲۴۷	/۰۰۱*
۴۹۱۲/۷۶	۵۶	۸۷/۷۲		
۶۳۵۹/۷۹	۵۸			

* $\alpha \leq 0.05$ تفاوت معنادار است.** $\alpha \leq 0.01$ تفاوت معنادار است

در ادامه، برای بررسی اینکه بین کدام سبک‌ها در مهارت‌های حرکتی بنیادی پسران و دختران تفاوت معنادار وجود دارد، از آزمون تعقیبی گابریل استفاده شد که اطلاعات حاصل از آن در جدول‌های شماره پنج و شماره شش آمده است.

جدول ۵- نتایج آزمون تعقیبی گابریل برای مهارت‌های حرکتی بنیادی پسران

گروه (I)	گروه‌ها (J)	اختلاف میانگین (I-J)	سطح معناداری
مقتدرانه	مستبدانه	-۰/۷۹	۰/۹۹
مقتدرانه	سهل‌گیرانه	-۵/۹۶	۰/۰۴۸*
مستبدانه	سهل‌گیرانه	۵/۰۳	۰/۱۹۴

* $\alpha \leq 0.05$ تفاوت معنادار است.** $\alpha \leq 0.01$ تفاوت معنادار است.

همان‌گونه که اطلاعات جدول شماره پنج نشان می‌دهد، با توجه به سطح معناداری ($P = 0.048$)، بین اختلاف میانگین سبک‌های مقتدرانه و سهل‌گیرانه (-۵/۹۶) تفاوت معناداری وجود دارد؛ به طوری که به دلیل منفی بودن اختلاف میانگین عملکرد کودکان پسر با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه نسبت به

کودکان پسر با سبک فرزندپروری مقتدرانه، سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه والدین در بهره‌ حرکتی درشت یا بنیادی بهتر بوده است. همچنین بین سبک‌های فرزندپروری دیگر تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۶- نتایج آزمون تعقیبی گابریل برای مهارت‌های حرکتی بنیادی دختران

گروه (I)	گروه‌ها (J)	اختلاف میانگین (I-J)	سطح معناداری
مقتدرانه	مستبدانه	-۸/۷۵	۰/۰۱۲**
سهل‌گیرانه	سهل‌گیرانه	۳/۶۳	۰/۶۷۹
مستبدانه	سهل‌گیرانه	-۱۲/۳۸	۰/۰۰۱**

* $\alpha \leq 0.05$ تفاوت معنادار است.

** $\alpha \leq 0.01$ تفاوت معنادار است.

همان‌گونه که اطلاعات جدول شماره شش نشان می‌دهد، با توجه به سطح معناداری ($P = 0.012$)، بین اختلاف میانگین سبک‌های مقتدرانه و مستبدانه (-۸/۷۵) تفاوت معناداری وجود دارد؛ به طوری که به دلیل منفی بودن اختلاف میانگین عملکرد کودکان دختر با سبک فرزندپروری مستبدانه نسبت به کودکان دختر با سبک فرزندپروری مقتدرانه، سبک فرزندپروری مستبدانه والدین در مهارت‌های حرکتی بنیادی بهتر بوده است. همچنین، با توجه به سطح معناداری ($P = 0.001$)، بین اختلاف میانگین سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه (-۱۲/۳۸)، تفاوت معناداری وجود دارد؛ به طوری که به دلیل منفی بودن اختلاف میانگین عملکرد کودکان دختر با سبک فرزندپروری مستبدانه نسبت به کودکان دختر با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، سبک فرزندپروری مستبدانه والدین در مهارت‌های حرکتی بنیادی بهتر بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی و مقایسه اثر سبک‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه) بر رشد مهارت‌های حرکتی بنیادی در کودکان پنج تا شش سال شهر تهران انجام گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که بین اثر سبک‌های فرزندپروری بر مهارت‌های حرکتی بنیادی پسران و دختران تفاوت معناداری وجود دارد؛ به طوری که عملکرد پسران در سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و عملکرد دختران در سبک فرزندپروری مستبدانه بهتر بود؛ بنابراین، والدین به‌عنوان عامل محیطی مهم و اساسی، در رشد حرکتی کودکان تأثیرگذار هستند. استودن و همکاران (۷) بر این باورند که افزایش شایستگی مهارت حرکتی بنیادی در دوران کودکی

اولیه به افزایش فعالیت بدنی در دوره‌های بعدی منجر خواهد شد. در کودکی اولیه، فعالیت بدنی به دلیل تأثیرپذیری کودک از عوامل محیطی گوناگون (از جمله تأثیرات والدین)، در رشد شایستگی مهارت حرکتی ضعیف خواهد بود. در این دوره، باید بیشتر به شایستگی حرکت بنیادی توجه کرد تا کودکان در دوره بعدی به فعالیت بدنی رغبت بیشتری داشته باشند. همچنین، استودن و همکاران (۷) درک ارتباط پویایی رشدی بین شایستگی مهارت حرکتی و فعالیت بدنی را قلب مدل خود معرفی کردند و بیان کردند که این ارتباط در زمان رشد قوت می‌یابد؛ بنابراین، می‌توان گفت که یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های مطالعات چیانگ و همکاران (۲۷) در سال ۲۰۱۵ که تأثیر نقش فرزندپروری و تعامل والد-کودک بر رشد حرکتی نوزادان، لانگر و همکاران (۲۱) در سال ۲۰۱۴، ساندرس^۱ و همکاران (۳۳) در سال ۲۰۱۲، جاگو و همکاران (۲۳) در سال ۲۰۱۱، هیننسی و همکاران (۱۸) در سال ۲۰۱۰، چین و همکاران (۲۲) در سال ۲۰۰۸ همسو است. مطالعات یادشده به تأثیر نقش سبک‌های فرزندپروری بر فعالیت و آمادگی بدنی تأکید داشتند؛ به طوری که اثر سبک‌های فرزندپروری با جنسیت کودک و قیود فرهنگی متفاوت بود.

هیننسی و همکاران (۱۸)، لانگر و همکاران (۲۱) و جاگو و همکاران (۲۳) بیان کردند کودکانی که والدین آن‌ها دارای سبک فرزندپروری سهل‌گیر بودند، فعالیت بدنی بیشتری داشتند. در پژوهش حاضر نیز پسرانی که والدین آن‌ها سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه داشتند، شایستگی مهارت حرکتی بنیادی بالایی داشتند. همچنین، تی‌سپاکیدو^۲ و همکاران (۳۴)، بارنت و همکاران (۱۵) و کلز و همکاران (۱۴) که به بررسی تأثیر ویژگی‌های والدین (اعتقادات، تحصیلات و تعامل والد-کودک) بر مهارت‌های حرکتی بنیادی پرداختند، به این نتیجه رسیدند که این عوامل نیز رشد حرکتی کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

هر والدی در تعامل با کودک خود از سبک‌های مختلفی استفاده می‌کند که با توجه به تعریف سبک فرزندپروری، این عامل متأثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. دلیل نتیجه به دست آمده ممکن است در اثر زمینه‌های فرهنگی والدین و اندیشه‌های آنان بر رفتار کودکانشان باشد. همچنین، کوهن (۱۹۶۹) معتقد است که عناصر درون زمینه فرهنگی والدین به تفاوت‌هایی در فرزندپروری منجر خواهد شد که در نهایت سبب تغییر در عملکرد کودکان می‌شوند (به نقل از ۲۹). علاوه بر این، بر اساس دیدگاه سیستم‌های پویا، بالیدگی به تنهایی رشد مهارت‌های بنیادی را در پی ندارد و محیط نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد این مهارت‌ها دارد؛ بنابراین، با توجه به نتایج پژوهش حاضر،

1. Saunders
2. Tsapakidou

سبک‌های فرزندپروری والدین و فرهنگی که در جامعه ما رایج است، در مورد پسران، سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه والدین به عملکرد بالا در مهارت‌های حرکتی بنیادی منجر شد. در سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، والدین به کودک اجازه آزمون خطای بیشتری را می‌دهند و در این سبک، کودکان، زیاد در کنترل ولدین خود نیستند و ممکن است عاملی که در پسران سبب بهتر شدن عملکرد بهره حرکتی درشت در این سبک شود، فرصت اکتشاف و پالایش حرکتی بیشتری باشد که از این سبک ناشی می‌شود. همچنین، به نظر می‌رسد که در فرهنگ ما نیز پسران محدودیت کمی داشته باشند. بامریند (۱۹۷۸) سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه را با کنترل کمتر و محبت زیاد و تقاضای کم کودکان معرفی کرده است (به نقل از ۱۸)؛ بنابراین، کودکان با زمان بازی ساختارنیافته بیشتری مواجه هستند. کودکان این سبک احتمالاً از این زمان، بیشتر برای بازی صرف کنند؛ اما اگر به‌طور عمومی با توجه به افزایش شایستگی مهارت حرکتی و فعالیت بدنی تشویق نشوند، ممکن است بیشتر زمان را در بازی‌های غیرفعال سپری کنند.

ساندرس و همکاران (۳۳) و چین و همکاران (۲۲) بیان کردند دخترانی که والدین آن‌ها سبک فرزندپروری مستبدانه داشتند، مشارکتشان در ورزش‌های سازمان‌یافته بیشتر بود و نیز آمادگی و فعالیت بدنی زیادی داشتند. در پژوهش حاضر نیز دخترانی که والدین آن‌ها سبک فرزندپروری مستبدانه داشتند، شایستگی مهارت حرکتی بنیادی بالایی داشتند. برای زدن مهر تأیید به نتایج پژوهش حاضر می‌توان به پژوهش سیر و همکاران (۲۴) اشاره کرد که براساس نتایج این پژوهش، مهرورزی والدین با فعالیت بدنی متوسط تا شدید دختران ارتباط منفی داشت. همچنین، کولز و همکاران (۱۴) دریافتند قدردانی والدین از عملکرد بهتر و برنده شدن دختران ارتباط منفی با عملکرد FMS آن‌ها دارد. با توجه به تقسیم‌بندی بامریند، والدین با سبک مستبدانه محبت کم و کنترل شدید دارند؛ بنابراین، می‌توان گفت که مهرورزی بر فعالیت بدنی و رشد حرکتی دختران تأثیر منفی دارد. حتی پژوهشی که هورن (۱۹۸۵) انجام داد، نشان داد موقعی که دختران پس از عملکرد موفقیت‌آمیز تشویق شدند، عزت‌نفس آن‌ها افزایش نیافت؛ بلکه با انتقاد سازنده، آن‌ها شایستگی بیشتری را در خود احساس کردند (به نقل از ۳). ویژگی‌های والدین مستبد شامل کمترین مهرورزی، بی‌تفاوتی در برابر رفتار مثبت کودک، انتقاد و سخت‌گیری است؛ بنابراین، دخترانی که والدین آن‌ها از فرزندپروری مستبدانه استفاده می‌کنند، قوانینی را که وضع می‌شوند، باید بی‌چون‌وچرا رعایت کنند. همچنین، کودکان به چهارچوبی از قوانین و مقررات سالم نیاز دارند تا در سایه آن به‌صورت همه‌جانبه رشد کنند. اعمال این مقررات به‌دلیل وضع شدن یک‌طرفه در سبک فرزندپروری مستبدانه معایبی دارد؛ اما

در پژوهش حاضر و پژوهش‌های همسوی ذکرشده، اثری مثبت در دختران داشته است. کمپبل و ایتون^۱ (۲۰۰۰) معتقدند که والدین تمایل دارند در محیط‌های بازی با پسران و دختران به صورت تبعیض‌آمیز برخورد کنند. والدین، اغلب، دختران را از دویدن، کوهنوردی یا ماجراجویی به دور از حضور خودشان بازمی‌دارند و حتی آن‌ها را تنبیه می‌کنند (به نقل از ۳). در جامعه ما نیز دختران محدودیت بیشتری دارند، وابستگی بیشتری به والدین دارند، در چهارچوب ارزش‌های خانوادگی قرار می‌گیرند و به جمع‌گرایی تمایل دارند. همچنین، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که والدین با زمینه فرهنگی متفاوت، در افکار خود نسبت به فرزندپروری و رشد کودک در درون جامعه متفاوت عمل می‌کنند. در جامعه‌ای که بیشتر به جمع‌گرایی متکی است، جدایی از خانواده تشویق نمی‌شود. نتایج بیانگر این است که اثر سبک فرزندپروری مستبدانه در فرهنگ‌های جمع‌گرا، اساساً با جامعه فردگرای آزاد متفاوت است (۳۵).

یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های مطالعات اسلدنس و همکاران (۲۰) و اشمیت^۲ و همکاران (۳۶) که به بررسی رابطه بین فرزندپروری عمومی و فعالیت بدنی و اوقات بی‌حرکی پرداختند، مغایر است؛ به طوری که آن‌ها بیان کردند کودکانی که والدین مقتدر داشتند، سطوح شاخص توده بدنی (BMI)^۳ پایین، فعالیت بدنی بیشتر و اوقات بی‌حرکی کمتری نسبت به سبک‌های دیگر داشتند. از دلایل مغایرت یافته‌های این پژوهش‌ها با پژوهش حاضر می‌توان به تعداد نمونه‌ها، تفاوت‌های فرهنگی، ابزارهای متفاوت برای ارزیابی فعالیت بدنی و رشد حرکتی که از گام‌شمار برای ارزیابی فعالیت بدنی کودکان استفاده شده است، اشاره کرد که بسیاری از پژوهش‌ها این ابزار را در سنین پایه مناسب نمی‌دانند (۲۴، ۱۱). همچنین، پژوهش‌ها اکثراً روی نوجوانان انجام شده‌اند؛ در صورتی که نوجوانان بیشتر تحت تأثیر دوستان خود هستند (۳)؛ ولی در پژوهش حاضر، آزمودنی‌ها در دوره کودکی اولیه بودند که کودکان در این سن بیشترین وقت خود را در کنار خانواده می‌گذرانند و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند.

نتایج این پژوهش نیز با نظریه سیستم‌های پویا همسو است و نقش تعیین‌کننده محیط بر رشد حرکتی را تأیید می‌کند. همچنین، مدل قیود نیول (۳۷) بیان می‌کند حرکت از تعامل بین فرد و محیطی که حرکت در آن رخ می‌دهد، ناشی می‌شود و تغییر در هر کدام از این عوامل بر رشد حرکتی تأثیر می‌گذارد و باعث تغییر قیود دیگر می‌شوند. در پژوهش حاضر، جنسیت به‌عنوان عامل فردی و سبک فرزندپروری به‌عنوان مهم‌ترین عامل محیطی بررسی شده‌اند که هر دوی این عوامل در این پژوهش

-
1. Campbell & Eaton
 2. Schmitz
 3. Body Mass Index

نیز رشد حرکتی کودک را تحت تأثیر قرار داده‌اند و نتایج معناداری از تأثیر سبک‌های فرزندپروری والدین و جنسیت بر رشد مهارت‌های حرکتی به دست آمده است. نتایج به دست آمده و تأثیر تعامل بین ویژگی فردی و محیطی بر رشد حرکتی کودک بیانگر این است که این پژوهش با مدل قیود نیول همسو است.

شایان ذکر است که پژوهش حاضر جزو پژوهش‌های معدودی است که اثر سبک‌های فرزندپروری هم پدر و هم مادر را بر رشد حرکتی کودکان در سنین پایه با ابزار معتبر بررسی کرده است؛ بدون شک، پژوهش حاضر محدودیت‌هایی نیز دارد. در این پژوهش، تعداد نمونه‌ها در سبک‌های مختلف یکسان نیستند و همچنین، وضعیت اقتصادی/ اجتماعی والدین در نظر گرفته نشده است. علاوه بر این، در پژوهش حاضر، سبک‌های فرزندپروری بر اساس تکمیل پرسش‌نامه خودگزارشی بوده‌اند؛ بنابراین، ممکن است والدین پرسش‌نامه را دقیق تکمیل نکرده باشند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده تعداد نمونه‌های یکسان و گسترده‌تری استفاده شود. همچنین، وضعیت اقتصادی و اجتماعی بالا و پایین والدین در نظر گرفته شود. افزون بر این، پژوهش حاضر جزو پژوهش‌های معدودی است که اثر سبک‌ها را بر مهارت‌های حرکتی بنیادی ارزیابی کرده است؛ بنابراین، در نتایج باید احتیاط لازم را کرد و برای اطمینان از نتایج به دست آمده، این نوع پژوهش‌ها در فرهنگ‌ها، جنسیت‌ها و سن‌های مختلف تکرار شوند؛ زیرا، ممکن است چندین عامل بالقوه در روابط بین این متغیرها وجود داشته باشند که برای به دست آوردن اطلاعات کاملاً روشن در این زمینه، انجام پژوهش‌های بیشتر ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش قصد دارد به والدین، مربیان مهد کودک و مربیان ورزشی که با کودکان سروکار دارند، کمک کند تا برای بهبود رشد حرکتی کودکان و طراحی مداخله‌های مبتنی بر خانواده آگاهی بیشتری داشته باشند؛ زیرا، کودکان بیشترین زمان را در خانواده سپری می‌کنند و خانواده بستر مهمی برای رشد مهارت‌های حرکتی بنیادی و افزایش فعالیت بدنی است.

پیام مقاله: به طور کلی، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سبک‌های فرزندپروری والدین (مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه) به عنوان عامل محیطی تأثیر بسزایی بر مهارت‌های حرکتی بنیادی دارند؛ ولی اثر سبک‌های فرزندپروری با جنسیت کودک و قیود فرهنگی در این رده سنی متفاوت بود. پژوهش‌های بسیاری در زمینه اثر سبک‌های فرزندپروری بر حیطه‌های رشدی مختلف انجام شده‌اند؛ ولی بررسی این متغیر با رشد حرکتی کودکان با توجه به اهمیت و نقش فعالیت بدنی کودکان برای زندگی سالم‌تر گامی مقدماتی است. بر اساس نتایج پیشین، عامل خانوادگی یکی از تعیین‌کننده‌ترین و اساسی‌ترین عامل محیطی است که رشد کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ زیرا، کودکان دست‌پرورده والدین خود هستند. به‌ویژه در سنین پایه که کودکان بیشتر زمان را در کنار والدین خود هستند، اگر شیوه‌های تربیتی والدین اصلاح شود، مشکلات رفتاری، حرکتی و ورزشی نیز اصلاح خواهند شد.

منابع

1. Gallahue DL, Ozmun JC. Understanding motor development: Infants, children, adolescents, adults. McGraw-Hill; 2011. P. 15- 144
2. Gallahue DL, Ozmun JC. Understanding motor development in childhood, adolescence, adulthood. Trans Bahram A, Shafi'zadeh M. Tehran: Book Bamdad Publications; 2004. (In Persian).
3. Haywood K, Getchell N. Life span motor development. 5th edition. Champaign Illinois: Human Kinetics; 2009. p.6 - 237- 52.
4. Gallahue DL, Ozmun JC. Understanding motor development: Infants, children, adolescents, adults Boston, MA: mcgraw-hill. 2006. p. 267-74.
5. Kiamanesh AR. Classification of educational goals, emotional-movement. Publications Office of Training and Library; 1989. p. 63. (In Persian).
6. Barnett LM, Morgan PJ, van Beurden E, Beard JR. Perceived sports competence mediates the relationship between childhood motor skill proficiency and adolescent physical activity and fitness: A longitudinal assessment. International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity. 2008;5(1):40 - 52.
7. Stodden DF, Goodway JD, Langendorfer SJ, Robertson MA, Rudisill ME, Garcia C, et al. A developmental perspective on the role of motor skill competence in physical activity: An emergent relationship. Quest. 2008;60(2):290-306.
8. Bryant ES, James RS, Birch SL, Duncan M. Prediction of habitual physical activity level and weight status from fundamental movement skill level. Journal of Sports Sciences; 2014;32(19):1775-82.
9. Gharakhanlou R, Gaeini A.A, Pegaon A.N. Normalization of Waist to Hip Ratio (WHR) in men over 40 years of age in Ahvaz and its relationship with cardiovascular risk factors and diabetes. Olympics. 2002;(3 & 4):71-59. (In Persian).
10. Thirlaway K, Benton D. Physical activity in primary-and secondary-school children in West Glamorgan. Health Education Journal. 1993;52(1):37-41.
11. Lloyd AB, Lubans DR, Plotnikoff RC, Collins CE, Morgan PJ. Maternal and paternal parenting practices and their influence on children's adiposity, screen-time, diet and physical activity. Appetite. 2014; 79:149-57.
12. Payne VG, Isaacs LD. Human motor development: A lifespan approach. 8th ed. New York: McGraw-Hill Humanities; 2012. (Chapter3).
13. Aiman S, Yusof SM, Kadir ZA, Sabturani N. The relationship between socioeconomic status and fine motor skills among six-year-old preschool children. Proceedings of the 2nd International Colloquium on Sports Science, Exercise, Engineering and Technology 2015 (ICoSSEET 2015). Singapore: Springer; 2016. p. 141-8.
14. Cools W, De Martelaer K, Samaey C, Andries C. Fundamental movement skill performance of preschool children in relation to family context. Journal of Sports Sciences. 2011;29(7):649-60.
15. Barnett L, Hinkley T, Okely AD, Salmon J. Child, family and environmental correlates of children's motor skill proficiency. Journal of Science and Medicine in Sport. 2013;16(4):332-6.
16. Griffiths G, Billard R. The fundamental movement skills of a year 9 group and a

- gifted and talented cohort. *Advances in Physical Education*. 2013;3(4):215- 20.
17. Baumrind D. Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology*. 1971;4(1p2):1- 103.
 18. Hennessy E, Hughes SO, Goldberg JP, Hyatt RR, Economos CD. Parent-child interactions and objectively measured child physical activity: A cross-sectional study. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*. 2010; 7(1):7-71.
 19. Patrick H, Hennessy E, McSpadden K, Oh A. Parenting styles and practices in children's obesogenic behaviors: Scientific gaps and future research directions. *Childhood Obesity*. 2013;9(s1): -73- 83.
 20. Sleddens EF, Gerards SM, Thijs C, VRIES NK, Kremers SP. General parenting, childhood overweight and obesity-inducing behaviors: A review. *International Journal of Pediatric Obesity*. 2011;6(2P-2):12-27.
 21. Langer SL, Crain AL, Senso MM, Levy RL, Sherwood NE. Predicting child physical activity and screen time: Parental support for physical activity and general parenting styles. *Journal of Pediatric Psychology*. 2014;39(6):633-42.
 22. Chen JL, Unnithan V, Kennedy C, Yeh CH. Correlates of physical fitness and activity in Taiwanese children. *International Nursing Review*. 2008;55(1):81-8.
 23. Jago R, Davison KK, Brockman R, Page AS, Thompson JL, Fox KR. Parenting styles, parenting practices, and physical activity in 10-to 11-year olds. *Preventive Medicine*. 2011;52(1):44-7.
 24. Sebire SJ, Jago R, Wood L, Thompson JL, Zahra J, Lawlor DA. Examining a conceptual model of parental nurturance, parenting practices and physical activity among 5–6-year olds. *Social Science & Medicine*. 2016; 148:18-24.
 25. Khajeh N, Shayof D. The predictive role of parenting styles in emotional intelligence of students. *Iran Journal of Nursing*. 2015;28(97):66-76. (In Persian).
 26. Martinez I, Garcia JF. Internalization of values and self-esteem among Brazilian teenagers from authoritative, indulgent, authoritarian, and neglectful homes. *Adolescence*. 2008;43(169):13.
 27. Chiang YC, Lin DC, Lee CY, Lee MC. Effects of parenting role and parent–child interaction on infant motor development in Taiwan Birth Cohort Study. *Early Human Development*. 2015;91(4):259-64.
 28. Robinson, C. C., Mandleco, B., Olsen, S. F., & Hart, C. H. (2001). The parenting styles and dimensions questionnaire (PSDQ). *Handbook of family measurement techniques*, 3, 319-21.
 29. Badakhsh M. Relationship between parenting style and sport participation among children of Marivan. [Unpublished master's thesis]: [Tehran]. Islamic Azad University; 2014. (In Persian).
 30. Barnett L, Van Beurden E, Morgan P, Brooks L, Beard J. Does childhood motor skill proficiency predict adolescent fitness? *Medicine Science in Sports Exercise*. 2008;40(12):2137- 44.
 31. Alizadeh H, Applequist KF, Coolidge FL. Parental self-confidence, parenting styles, and corporal punishment in families of ADHD children in Iran. *Child Abuse & Neglect*. 2007;31(5):567-72.
 32. Zarezadeh M. Normalization and determine the validity and reliability of gross motor development for children 11-3 years in Tehran. [Doctoral dissertation]: [Tehran]. Tehran University; 2009. (In Persian).

33. Saunders J, Hume C, Timperio A, Salmon J. Cross-sectional and longitudinal associations between parenting style and adolescent girls' physical activity. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*. 2012;9 - 141.
34. Tsapakidou A, Anastasiadis T, Zikopoulou D, Tsompanaki E. Comparison of locomotor movement skills in 8-9 years old children coming from two areas of Thessaloniki with contrasting socioeconomic status. *Asian Journal of Humanities and Social Studies*. 2014;2(1):2321-799.
35. Dwairy M, Menshar KE. Parenting style, individuation, and mental health of Egyptian adolescents. *Journal of adolescence*; 2006. 28;29(1):103-17.
36. Schmitz KH, Lytle LA, Phillips GA, Murray DM, Birnbaum AS, Kubik MY. Psychosocial correlates of physical activity and sedentary leisure habits in young adolescents: The teens eating for energy and nutrition at school study. *Preventive Medicine*. 2002;34(2):266-78.
37. Newell, K. (1986). Constraints on the development of coordination. In M. Wade & H.T.A. Whiting (Eds.), *Motor development in children: Aspects of coordination and control* (pp. 341-360. Dordrecht, Netherlands: Martinus Nijhoff.

استناد به مقاله

لطفی حمید، پروین پور شهاب، شهرزاد ندا. تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر مهارت‌های حرکتی بنیادی کودکان پنج تا شش سال. رفتار حرکتی. بهار ۱۳۹۸؛ ۱۱(۳۵): ۵۰-۱۳۳. شناسه دیجیتال: 10.22089/mbj.2018.4872.1567

Lotfi H, Parvin Pour Sh, Shahrzad N. Effects of Parenting Styles on Fundamental Movement Skills of 5 to 6 Years Old Children. *Motor Behavior*. Spring 2019; 11 (35): 133-50. (In Persian). Doi: 10.22089/mbj.2018.4872.1567

Effects of Parenting Styles on Fundamental Movement Skills of 5 to 6 Years Old Children

H. Lotfi¹, Sh. Parvin Pour², N. Shahrzad³

1. M. Sc. of Motor Behavior, Kharazmi University *

2,3. Assistant Professor of Motor Behavior, Kharazmi University

Received: 2017/10/06

Accepted: 2018/02/05

Abstract

The aim of present research was comparing the effects of parenting styles on fundamental motor skills of five to six years old children. One hundred ten children from the kindergartens of Tehran have been chosen through multistage cluster sampling. Robinson Parenting Styles Questionnaire and Test of Gross Motor Development were used to assess parenting styles (Authoritative, Authoritarian and Permissive) and fundamental movement skills respectively. Results showed that effects of parenting styles on fundamental motor skills are different based on the gender; in this way boys in permissive parenting style and girls in authoritarian parenting style were better ($P < 0.05$). Therefore, regarding relationship between parenting styles and fundamental motor skills some proceedings should be implemented in order to increasing parent's knowledge about how to behave to their children.

Key Words: Parenting styles, Fundamental Movement Skills, Childhood

* Corresponding Author

Email: hamid.s.l.n70@gmail.com